وزرای دوره غزنویان

بهرامی، اکرم

ابو سهل زوزنی:ابو سهل‏1در دوران حکومت سلطان محمود از ملازمان درگاه‏ به حساب میآمد.پس از مرگ محمود و روی کارآمدن مسعود به وزارت رسید.مرد متکبر و بددل بود بدینجهت مردم از وی متنفر بودند.

مینویسند قتل حسنک وزیر و بردار کردن او به سعایت این وزیر بوده است.2و هم‏ چنین چون بعد از سلطان محمود،محمد زمام امور را در دست گرفت،برای جلب‏نظر درباریان و امرا انعام فراوان بخشید،زوزنی در دوران سلطنت مسعود وی را واداشت که‏ استرداد آن نماید.و نیز از کارهای زشت وی رفتارش با آلتونتاش است که از کبار امرای سلطان محمود بود و حکومت خوارزم را داشت.مسعود بر استیصال او تحریک نمود و پنهانی به خط مسعود برای دستگیری او و فرزندش کتابت حاصل کرد3.آلتنونتاش از قضایا مطلع شد و فتنه‏ها ظاهر گشت.

این وزیر تا زمان آمدن خواجه احمد بن حسن از هندوستان بر سر کار بود.پس از رسیدن محمد خواجه احمد به وزارت شغل عارضی به او دادند4.

احمد بن عبد الصمد شیرازی:الوزیر الغاضل احمد عبد الصمد شیرازی الکاتب وزیر سلطان‏ مسعود است که پس از وفات احمد بن حسن میمندی در محرم سال 424 هـ وزیر شد.سلطان‏ مسعود مجلسی از امرا و درباریان خود تشکیل داد و در خصوص انتخاب جانشین احمد بن‏ حسن میمندی با ایشان مشاوره کرد،بالأخره د ابو نصر امد بن عبد الصمد را به این مقام‏ برگزید.احمد عبد الصمد مدتی در خوارزم صاحب دیوان و وزیر آلتونتاش حاجب و پسرش هرون بود1.چون رائی صائب و لیاقتی تمام داشت سلطان مسعود ویرا از خوارزم‏ طلبید و شغل وزارت خویش را به وی مفوض داشت.احمد بن عبد الصمد بر نیکوترین وجهی‏ به شغل مهم وزارت قیام نمود"بر وجهی به سرانجام مهام مملکت و تدبیر امور سپاهی و رعیت پرداخت که دستور وزرای جهان و قانون مدبران دوران گشت‏2.در فصاحت و کتابت‏ بی‏همتا بود در شجاعت و تیراندازی نظیر نداشت.

احمد بن عبد الصمد تا پایان دوران حکومت سلطان مسعود همچنان وزارت او را داشت‏ و پس از مرگ وی در زمان پسرش سلطان مودود نیز مقام خود را حفظ کرد تا آنکه به قصد امرا در قید و حبس افتاد و دشمنانش زهر در شربتی تعبیه کردند و از آن مسموم و درگذشت‏3. سال 438 هجری.منوچهری شاعر معروف دربار غزنویان در مدح این وزیر قصاید غرائی دارد از آن جمله قصیده‏ایست با مطلع:

المنة لله که این ماه خزان است‏ ماه شدن و آمدن راه رزان است

تا جائیکه گوید:

چون دست وزیر ملک شرق‏ از باده‏گران نیست که از جود گران است‏ اندر کرمش هرچه گمان بود یقین شد واندر نسبش هرچه یقین بود گمان است‏ این کار وزارت که همی راند خواجه‏ نه کار فلان بن فلان بن فلان است

منوچهری ابیاتی نیز در شاه‏دوستی و بی‏غرضی این وزیر سروده است.

از این وزیر در تاریخ پسری را نام میبرند عبد الحمید نام،و چنانکه خواهد آمد او نیز مانند پدر سمت وزلرت در دربار غزنویان داشته است.

(1 و 2)دستور الوزراء ص 144 و مجمل فصیحی

(3)-آثار الوزراء عقیلی ص 193